

پابگ ۱۷

۶۲-۷۷

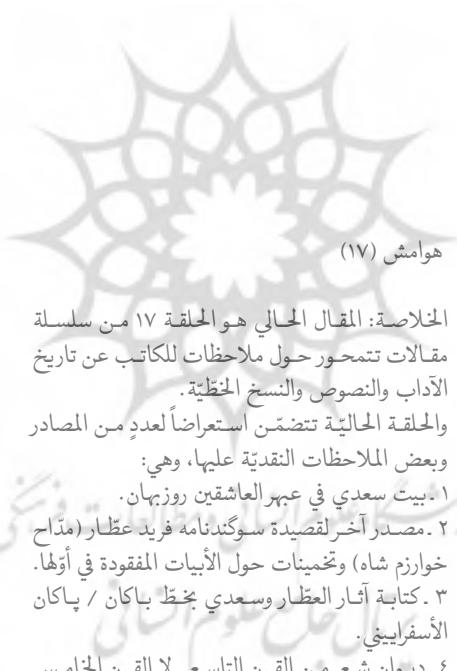
جواد بشری
j.bashary@ut.ac.ir

Pābarg (Small Notes) 17

By: Javād Bashari

Abstract : The present paper is the seventeenth paper which focuses on the findings related to the history of literature, textology, and codicology. Some of the introduced sources and provided information are as follows:

- Sa'si's verse in Roozbahān Abhar al-ĀSheqin
 - Another source for Farid Attār's qasida "Sogandnāme", and some speculations regarding its missing verses at the beginning
 - Attār and Sa'di's works being written by Bākān /Pākān Esfarāyeni
 - A collection of poems left from the 9th century A.H., not 5th century, in Baghdad
 - A manuscript of Abdullah bin Ahmad Nasafi's, dated 688 A.H. in Shiraz
 - Some possible information about one of the members of the family of Abdul Salami-e Fars in the eighth century A.H.
 - An introduction to a collection of poem *Bi Neshān* (a note by Dr. Roohangiz Kerāchi)
 - Allame Qazvini and Mustafa Javad
 - Two small notes (with regard to Dr. Ghani's letter to Allame Qazvini, and the poem "Agar del az gham-e Doniyā jodā Tavāni kard")
- Key words:** History of literature, textology, codicology



هوامش (۱۷)

الخلاصة: المقال الحالي هو الحلقة ۱۷ من سلسلة مقالات تتمحور حول ملاحظات للكاتب عن تاريخ الآداب والنصوص والنسخ الخطية.

والحلقة الحالية تتضمن استعراضاً لعدد من المصادر وبعض الملاحظات النقدية عليها، وهي:

۱. بيت سعدي في عمير العاشقين روزبهان.
 ۲. مصدر آخر لقصيدة سوگندنامه فرید عطار (مداح خوارزم شاه) وتخمينات حول الأبيات المفقودة في أولها.
 ۳. كتابة آثار العطار وسعدي بخط باکان / پاکان الأسفراييني.
 ۴. ديوان شعر من القرن التاسع. لا القرن الخامس الهجري. في بغداد.
 ۵. مخطوطة من (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) لعبد الله بن أحمد النسفي، يعود تاريخها لسنة ۶۸۸ هـ موجودة في شيراز.
 ۶. معلومات محتملة عن أحد أفراد عائلة عبد السلامي فارس في القرن الثامن الهجري.
 ۷. ملاحظات بقلم الدكتور روح انگيز كراچي في تعريف ديوان شعر (بي نشان).
 ۸. العلامة القزويني ومصطفى جواد.
 ۹. استداركان هامشيان، حول رسالة الدكتور غني إلى العلامة القزويني وشعر (اگردل از غم دنيا جدا توانی کرد = إن استطعت أن تخلي القلب من هموم الدنيا).
- المفردات الأساسية: تاريخ الأدب، النصوص، علم المخطوطات.

چکیده: نوشتار حاضر، هدفمین شماره از سلسله انتشاراتی است که بر یافته های تاریخ ادبیاتی، متن شناسی و نسخه شناسی تمرکز دارد. برخی از منابع معرفی شده و مطالب مطروحه در این شماره به شرح ذیل است:

بيت سعدي در عمير العاشقين روزبهان (؟)

مأخذی دیگر برای قصیده سوگندنامه فرید عطار (مداح خوارزمشاه) و گمانه زنی درباره ابیات مفقود سرآغاز آن

کتابت آثار عطار و سعدي به دست باکان / پاکان اسفراييني

ديوان شعري از سده نهم، و نه پنجم هجري، در بغداد

اطلاعی احتمالی از یکی از افراد خاندان عبدالسلامی فارس در سده هشتم هجری

در معرفی ديوان شعر «بي نشان» (یادداشتی به قلم دکتر روح انگيز كراچي)

علامه قزويني و مصطفى جواد

دواستدارک پابگي (پيرامون نامه دکتر غني به علامه قزويني و شعر «اگردل از غم دنيا جدا توانی کرد»)

کلیدواژه: تاريخ ادبيات، متن شناسی، نسخه شناسی



۱. بیت سعدی در عبهرالعاشقین روزبهان (?)

از اختصاصات نگارش‌های فارسی روزبهان بقلی فسایی شیرازی (۵۲۲-۶۰۶ق)، به‌کارگیری ابیات فارسی متناسب است که از میان آن نگارش‌ها، وفور نقل‌های شعری در «عبهرالعاشقین» بسیار چشم‌گیر است. در فصل شانزدهم این کتاب، در تصحیح کربن و معین، بیتی در موضوع «بیان مقامات العشق الانسانی و ترقیها فی مقامات العشق الربانی» آمده که از نظارتباط با مطالب پیش و پس آن، پیوند خوبی با متن ایجاد کرده است. برای تبیین بهتر، بخش مورد اشاره به همراه سطور بیشتری پس از آن نقل می‌گردد:

«آنگاه جانان را به حقیقت طلب کند و به در خانه‌اش متواری شود،... مستنشق نفعات دوست در کوی دوست،... میان بیم و امید ترسان و لرزان، و از وُشاة و رُماة خانگاه معشوق هراسان. تا ناگه در حرف غلط خدعت نگرد و حیلها و وصول جانان اندیشه کند، افتان و خیزان لذت و بلاد پله میزان خوف و رجا از ریاح وفا و جفا مضطرب باشد:

حلقه بردر نتوانم زدن از بیم رقیبان / این توانم که بیایم به محلت به گدایی

خود را به مکر در اصطبل دواش و خربندگان ولایتش چاکروار در بندد و به حیل فالگیری و داروفروشی و آئینه‌گری در کوچها و وی گذر کند، تا ناگهان خود را به حیل پیش چاکران خانه‌اش معروف و مشهور کند و همگنان را بندگی کند، بیت:

خود را به حیل درفکنم مست آنجا

تا بنگرم آن جان جهان هست آنجا

یا پای رساندم به مقصود و مراد

یا سر بنهم همچو دل از دست آنجا»

مقصود، تک‌بیت نخست است که به غزل بسیار مشهوری از سعدی، ثبت شده در بخش «طیبات»، به مطلع «من ندانستم از اول که تویی مهر و وفایی / عهد نابستن ازان به که بندی و نیایی» تعلق دارد^۱. این خود تناقضی شگفت است که سروده‌ای از سعدی - که احتمالاً در همان سال درگذشت روزبهان به دنیا آمده است - در نشر شیخ فسایی یافت شود. در تصحیح عبهرالعاشقین، البته به صاحب اصلی شعر و چنین تناقضی هیچ اشاره‌ای نشده است. نخستین بار گویا محمدتقی میر در کتابی که پیرامون روزبهان به سال ۱۳۵۴ منتشر کرد، ذهن‌ها را به این نکته توجه داد و چنین اظهار نظر نمود: «این شعریا توارد شده که سعدی آن را در غزلی آورده و یا کاتبین بعداً به کتاب عبهرالعاشقین

۱. عبهرالعاشقین، صص ۸۵-۸۶.

۲. غزلهای سعدی، ص ۷۴.

افزوده‌اند^۳. نظراً و راه حلی را که یکی بسیار ضعیف و دیگری قابل قبول‌تر می‌نماید، در خود جای داده است. ماجرای حضور این بیت سعدی در آثار روزبهان، بی‌شک ارتباطی با توارد ندارد و اساساً چنین راه‌حل‌هایی، توجیهی ساده‌انگارانه برای نمونه‌های مشابه در گذشته بوده است. بنابراین لازم است که مسیر دوم، یعنی امکان دخالت کاتبان و رونویس‌گران نسخه‌های این اثر در اضافه کردن این شعر به متن دنبال شود. از عبهر العاشقین، این دستنویس‌ها در اختیار کربن و معین قرار داشته است: یک. دستنویس مشخص شده با رمز «A» متعلق به کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۱۹۵۹ که دستنویس بی‌تاریخی از سده نهم هجری است؛ دو. دستنویس تعیین شده با رمز «G» از کتابخانه خصوصی مرحوم دکتر قاسم غنی که احتمالاً دستنویس متأخرتری است و به داشتن برخی حواشی ممتاز است. مصححان همچنین حواشی ثبت شده در حاشیه دستنویس «G» را نیز که از عهد صفوی است، جداگانه به چاپ رسانده‌اند و هر جا در حاشیه نیاز به اشاره و توضیحی درباره آن حواشی بوده، برای آن توضیحات اضافی -که مطلقاً تراوش قلم و اندیشه روزبهان نیست و یکی از خوانندگان ادوار بعد آن‌ها را ثبت کرده- از رمز «Gh» یعنی حواشی (h) ثبت شده در هامش دستنویس «G» استفاده کرده‌اند^۴. این بیت، براساس گزارشی که در پای صفحه پیرامون دیگرسانی‌ها و نسخه‌های ثبت شده، تنها در حاشیه دستنویس «G» آمده است. زیرا از رمز «Gh» برای آن استفاده شده و در ادامه توضیح پانویس قید شده که بیت مزبور در هیچ یک از دو نسخه AG وجود ندارد. پس مهملک‌ترین کاری که باید صورت گیرد، صورت گرفته و بی‌نی از حاشیه یک دستنویس که خود مصححان به وجود مطالبی خارج از متن در آن اذعان داشته‌اند، به متنی از سده ششم هجری راه یافته است. دستنویس عبهر العاشقین متعلق به دکتر قاسم غنی، البته اینک در دسترس نیست تا بتوان به دقت به آن موضعی که بیت مزبور در حاشیه آن نوشته شده نگریست. اما گزارش صریح و واضح مصححان کافی است تا نشان دهد این بیت بی‌تردید تنها در حاشیه‌های برافزوده یک دستنویس متأخر ثبت شده بوده و حاشیه‌نویس آن دستنویس نیز، گویا مطلقاً چنین ادعایی نداشته که مطالبی که در حاشیه خود می‌نگارد، کوچک‌ترین تعلق به نوشته روزبهان شیرازی دارد. بلکه او فقط علاقه داشته که مناسبت این بیت سعدی را با مضامین آن بخش از عبهر العاشقین برای خود مکتوب نماید. این خطای روش‌شناختی، باعث چنین سردرگمی‌ای شد و وضعیت یکی از ابیات سعدی را با پرسش مواجه کرد. اما اینک با روشن شدن مطلب، می‌توان بیت را از موضع مزبور برداشت و در بخش دیگری که مصححان برای عرضه مطالب موجود در حواشی (h) دستنویس «G» اختصاص داده‌اند قرار داد^۵.

۲. ماخذی دیگر برای قصیده سوگندنامه فرید عطار (مداح خوارزمشاه) و گمانه‌زنی درباره ابیات مفقود سرآغاز آن

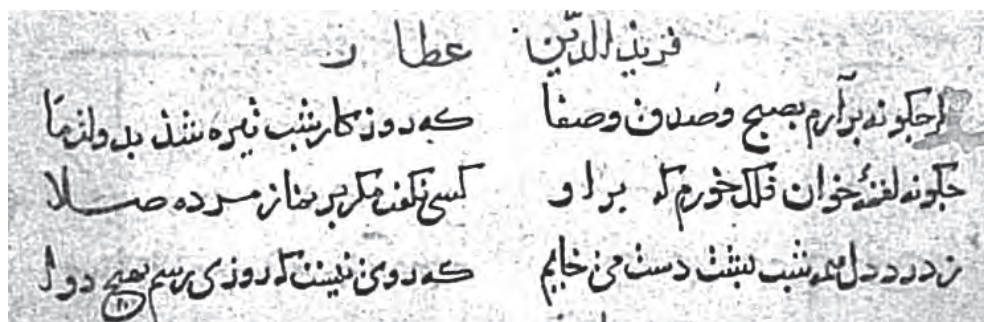
در یادداشت شماره «۴» از «پابرگ ۱۳» (سلسله یادداشت‌های حاضر) به اهمیت دستنویس شماره ۳۰۶ سنا از دیوان عطار اشاره شد؛ دستنویس کهنی که مورد استفاده تقی تفضلی قرار داشته و بعدها از نظرها پنهان مانده است^۶. همچنین، با اندک تفصیلی، سخن از قصیده سوگندنامه فرید عطار، شاعر مداح و ستایشگر فرمانروایان سلسله خوارزمشاهی به میان آمد و روشن شد که این دستنویس، تنها منبعی است که همین مقدار از سوگندنامه ناقص الاؤل مزبور را در خود حفظ کرده است. در آن یادداشت، گفته شد که جز دستنویس‌های مورد استفاده در چاپ‌های دیوان عطار، به این دستنویس‌ها نیز مراجعه شد که اثری از قصیده مزبور در آن‌ها به دست نیامد: دستنویس‌های کتابخانه ملی، موزخ ۸۴۷-۸۴۹ ق (نسخه پیشین مرحوم نورانی وصال)؛ حالت‌افندی شماره ۲۳۴، موزخ ۸۸۸ ق؛

۳. شرح حال و آثار و اشعار شیخ روزبهان بقلی فسائی شیرازی، ص ۱۰۶.

۴. عبهر العاشقین، صص ۱۰۶-۱۰۸ مقدمه.

۵. این بیت به واسطه خطای مصححین عبهر العاشقین، به بیکره اشعار فارسی تا سال ۷۰۰ ق نیز راه یافته (اشعار فارسی برکنده در متون، ج ۲، ص ۱۳۸۵) که اینک می‌توان آن را اصلاح کرد.

۶. «پابرگ ۱۳»، صص ۱۰۹-۱۱۴.



ایاصوفیا شماره ۱۶۵۹، مورخ ۸۹۹ق؛ مجلس شماره ۲۵۹۹، سده یازدهم هجری؛ کتابخانه ملی شماره ۸۱۵۰۲۷، سده یازدهم هجری؛ مجلس شماره ۱۱۴۹، سده دوازدهم هجری؛ کتابخانه ملی شماره ۳۲۱۴۵-۵، سده سیزدهم هجری؛ خلاصه الاشعار تقی الدین کاشانی، دستنویس ۷۷۹۰ دانشگاه تهران؛ و سفینه اشعار متقدمین، مجلس شماره ۵۹۷۶، سده یازدهم هجری. از این رو، دستنویس ۳۰۶ سنا، احتمالاً کتابت شده در نیمه دوم سده هشتم هجری، فعلاً تنها مأخذی است که بیشترین ابیات از این سوگندنامه ناقص الاؤل را در خود دارد و اساساً دلیل نقص ابتدایی این قصیده نیز، نقصی است که در اوراق همین دستنویس وجود داشته است.

خوشبختانه با جستجوهای دوست گرامی، جناب علی رحیمی، منبع دیگری برای چند بیت این قصیده یافت شد و گمانه زنی قوت مندی نیز درباره ابیات مفقود آغازین آن صورت گرفت. این منبع، سفینه کتابخانه یحیی توفیق در استانبول است به شماره ۴۴۹، مورخ ۷۵۴ق، که اینک می دانیم نسخه کهنی از سفینه «سعدالدین آلهی» و در واقع یکی از سه دستنویس کامل یا ناقص موجود از این سفینه است. چنین است عین نوشته ایشان در این باره:

«در باب ۷ فی القسمیات [از سفینه یحیی توفیق]، برگ های ۹ و ۱۰، هشت بیت از یک قصیده منسوب به عطار با عنوان «فریدالدین عطار» آمده است. سوگندنامه بی مطلعی که این ابیات مربوط به آن می شود در چاپ مدائنی و افشاری نیامده و تفضلی آن را تنها از یک نسخه در تصحیح خود آورده است. نکته دیگر این که برخی از ابیاتی که در سفینه یحیی توفیق آمده، به همراه ابیات دیگری از این قصیده، در برگ ۶۳ از سفینه سعدالدین آلهی (نسخه شماره ۵۳۴ سنا) با عنوان «لواحد» آمده است. ابیات این قصیده در سفینه یحیی توفیق چنین است:

بدان خدای که در آفتاب معرفتش / بذره ای نرسد عقل جمله عقلا [پانویس: این بیت در قصیده دیگری از عطار نیز آمده است (رک: عطار، ۱۳۹۲: ۶۵۵، بیت ۴۵؛ همو، ۱۳۶۸: ۷۱۹)] // بشیروان طواف و بساکنان حرم / بختگان بقیع و بکشتگان (یحیی توفیق: به تشنگان) غزا // بدوست رویی پاکیزگان هفت رواق / شرمناکی دوشیزگان هفت سرا (یحیی توفیق: هشت سرا) // بعاصی که پس از (یحیی توفیق: -از) توبه در شبی صدبار / بنار و نور درافتد میان خوف و رجا // بحاجبی دوا برو بمردمی (یحیی توفیق: دوا برو و مردمی) دو چشم / بهم سری دودست (یحیی توفیق: دودوست [!]) و بسرکشی دوا پا // بیار عام تو یعنی که غلغل ملکوت / برخش خاص تو یعنی که دلدل شهبها // بیای تخت تو یعنی که ساق عرش مجید / بشیرفروش تو یعنی اسد برین بالا // بخاک پای تو کز رشح اوست آب حیات / بیاد گرد تو (یحیی توفیق: بیاد گرز تو) کاتش فکند در اعدا»^۷.

در بخش دیگری از همین سفینه سده هشتمی ابیات زیر آمده است که طبق توضیح رحیمی، چنین است:

«در باب ۸ فی شکایة الزمان [از همین سفینه]، برگ ۱۵ ب، سه بیت با عنوان «فریدالدین عطار» آمده است:

[مخدوش] چگونه برآرم بصبح و صدق و صفا / که روزگار شب تیره شد بدولت ما // چگونه لقمه خوان فلک خورم که برو / کسی نگفت مگر بر نماز مرده صلا // ز درد دل همه شب پشت دست می خایم / که روی نیست که روزی

رسم بهیچ دوا

۷. بررسی اشعار عطار نیشابوری و دیگر عطارها در جنگ ها و سفینه ها تا سال ۸۵۰ق، ص ۹۸. نیزک: سفینه، سعدالدین آلهی، برگ ۶۳، با عنوان «لواحد» (چنانکه رحیمی به درستی به آن اشاره کرده است)، با اختلافات قابل توجه.

با توجه به یکی بودن وزن و قافیه و نزدیک بودن مضمون، می‌توان احتمال داد که این ابیات مربوط به مطلع قصیده سوگندنامه مذکور در بالا باشد که اوراق حاوی ابیات نخستین آن در نسخه ۳۰۶ سنا افتاده و تقی تفضلی نیز آن را به همان صورت و بدون مطلع در تصحیح خود از دیوان عطار نقل کرده است. توضیح این‌که ضبط مصرع نخست این ابیات نزدیک است به صورت مصرع دوم بیت ۳ از قصیده ۳ در دیوان عطار چاپ مدائنی و افشاری (همو، ۱۳۹۲: ۶۵۴)». ^۸

۳. کتابت آثار عطار و سعدی به دست باکان / پاکان اسفراینی

در تصحیح آثار منظوم عطار یکی از دستنویس‌های ارزشمند و کهنی که پیش از ۸۰۰ق کتابت شده و همیشه مورد توجه بوده است، دستنویس کتابخانه کاخ گلستان در تهران است که تنها از طریق میکروفیلم و نسخه عکسی تهیه شده از آن دستنویس که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، و نه از روی اصل آن^۹، مورد مراجعه محققان بوده است. برای نمونه، رقم پایانی کتاب در انتهای مجموعه، که به «مختارنامه» ختم می‌گردد، در تصحیح منظومه‌های عطار چنین قرائت شده است: «تمام شد دیوان سلطان العارفين قدوة المحققين مفخر الزاهدين املح الشعراء في العالم فرید الدولة [و] الدین محمد العطار النشابوری قدس الله روحه العزيز در تاریخ ماه شعبان المعظم لِسنة احدى و ثلاثين و سبعمائة حرره عبد [كذا] المحتاج الى رحمة الله تعالى ابوبکر بن علی بن محمد الاسفراینی يُعرف بباکان و سلّم تسليماً كثيراً»^{۱۰}. یکی از نکات جالب توجه درباره این دستنویس مجموعه‌ای، آن است که در بخشی از شمس‌آغازین آن و به همان خط اصلی، از وجود «خسرونامه» عطار یاد شده است. اما استاد شفيعی کدکنی توضیح داده است: «ممکن است براساس بعضی فهرس و یا اطلاعات ناقصی که در بعضی کتب آمده است بعضی از خوانندگان تصور کنند که در نسخه ۷۳۱ [ق] خسرونامه هم در مجموعه آثار عطار وجود دارد. حال آنکه چنین نیست. در این نسخه (۱) قصاید و غزلیات (۲) اسرارنامه (۳) طيورنامه (۴) مصیبت نامه (۵) الهی نامه (۶) مختارنامه آمده و (۷) خسرونامه هم اسمش آمده ولی آن را نوشته‌اند» (رک: تصویر).

نکته پراهمیت از منظر این یادداشت، آشنایی کتاب با آثار سعدی است. زیرا در دو صفحه آغازین الهی نامه (برگ ۲۰۶)، و در بخش پایین کتیبه مزدوجی - که روبروی یکدیگر ترسیم شده - این بیت سعدی به خط کهن آمده است: «نگه دار فرصت که عالم دمیست / دمی پیش دانا به از عالمیست»^{۱۱}. لازم است در نظر داشته باشیم که این ابوبکر بن علی بن محمد اسفراینی مشهور به «باکان / پاکان»، پیش از کتابت این دستنویس «برسم خزانه» ای یا شاهانه

۸. بررسی اشعار عطار نیشابوری و دیگر عطارها در جنگ‌ها و سفینه‌ها تا سال ۸۵۰ق، ص ۹۹.

۹. منابع موجود در گنجینه کاخ گلستان، اگرچه در پایتخت مهم‌ترین کشور فارسی‌زبان نگهداری می‌شود و تبعاً می‌تواند پشتوانه مهمی برای محققان ادب فارسی در شناخت زوایای تاریک گذشته ادبی این سرزمین باشد، اما جز مصداق «خرما بر نخیل» نیست. آخرین مراجعه حضوری نگارنده به کتابخانه کاخ گلستان، با نامه‌ای رسمی از نهادی علمی، مربوط به حدود سال‌های ۹۳ یا ۹۴ بود که با بی‌رغبتی مسئولین بخش خطی این مجموعه مواجه شد و راه به جایی نبرد. از این رولازم است وجود دستنویس‌های مورد نیاز را در این نهاد، حداقل برای خود، از جنس «عدم» تلقی کنم.

۱۰. منطق الطیر، نشر سخن، ص ۲۱۳. در ارزیابی میزان دقت این کتاب، در مقدمه منطق الطیر آمده است: «این نسخه به لحاظ تاریخ، پس از دو نسخه مراغی قرار می‌گیرد و الحق نسخه‌ای است شاهانه و جلیل‌القدر اما این باکان اسفراینی، که کتاب نسخه است، دقتی را که در کار ابراهیم بن عوض مراغی دیده می‌شود ندارد. بسیاری از مصراعها را از قلم انداخته و بسیاری از مصراعهای نوشته‌شده را نیز ناقص نقل کرده است، با این همه چون خراسانی و به یک حساب نیشابوری شمرده می‌شود، به زبان عطار تا حد زیادی آشنا بوده است و ظاهراً نسخه کهنی از کلیات عطار در اختیارش بوده است» (همان، ص ۲۱۳). درباره مشکلات و در عین حال ارزش‌های این دستنویس، نیز رک: منطق الطیر، انتشارات سمت، ص ۷۸). این کتاب، خطاهای نابخشودنی زیادی نیز در بخش رباعیات عطار دارد. به طوری که تقریباً در صفحه‌ای نیست که چندین افتادگی و غلط فاحش نداشته باشد. گاه در رباعی را به هم می‌آمیزد و زمانی کلمات را از قلم می‌اندازد (مختارنامه، ص ۶۲). به همین سبب، در انتخاب نسخه اساس نسبی در تصحیح مختارنامه نیز، این نسخه جای خود را به یک دستنویس مؤرخ ۸۲۶ق داده است (همان، ص ۶۰). در بخش دیوان عطار نیز، کار او پرازنوع اشتباهات فاحش تشخیص داده شده است (دیوان عطار نیشابوری، صص ۱۴-۱۵).

۱۱. مختارنامه، ص ۵۶. همین مسأله، یعنی وجود عنوان «خسرونامه» و نبود منظومه عاشقانه‌ای که بین «گل» و «هرمز» روی می‌دهد در این دستنویس، محملی شده است برای عرضه نظری ویژه در این باب، که علاقه‌مندان آثار عطار آن را در مقدمه منطق الطیر، مقدمه مختارنامه، و نیز مقدمه «زبور پارسی» دنبال خواهند کرد.

۱۲. منطق الطیر، نشر سخن، ص ۲۱۳. برای بیت سعدی، رک: بوستان، تصحیح یوسفی، ص ۱۸۸.



عطار، از کتابت دستنویسی از کلیات سعدی به تاریخ غزوه رجب سال ۷۲۸ ق فراغت یافته بوده و عملاً با اشعار سعدی آشنایی کافی داشته است. این دستنویس، همان است که فروغی نخستین بار در تصحیح گلستان^{۱۳} و بوستان (سعدی نامه)^{۱۴} و سپس سایر آثار سعدی از تصویر واضحی که از آن در اختیار داشت استفاده کرد. دستنویس ۷۲۸ ق که در شمار کهن ترین نسخه های کلیات سعدی است، در کتابخانه «دیوان هند» (این دین آفیس) در لندن به شماره ۱۱۱۷ محفوظ بوده و اینک در کتابخانه بریتانیا در این شهر نگهداری می شود. یغمایی و نیز یوسفی، هر یک در تصحیح غزل ها و نیز گلستان و بوستان (سعدی نامه) به تصویر این دستنویس دسترسی داشته اند^{۱۵}. رقم پایانی این دستنویس، با مراجعه به فایلی که از میکروفیلم شماره ۹۱۱۶ و نسخه عکسی شماره ۷۰۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تهیه شده، چنین است: «تمت الكتاب من الديوان [كذا] الشيخ الامام العابد مشرف بن مصلح السعدی شیرازی رحمة الله عليه في غزوة رجب المرجب لسنة ثمان وعشرين و سبعمائة، كتبه ابوبكر بن علي بن محمد باكان، و صلى الله على خير خلقه محمد و آله اجمعين، تمت (؟)» (رک: تصویر). این دستنویس، در شمار قدیم ترین نمونه هایی است که در انتهای برخی قسمت های کلیات سعدی، ادعا می کند که از روی خط سعدی کتابت شده است. برای نمونه، می توان از این بخش ها

یاد کرد: «تمت الكتاب [كذا] الطيبات نقلته من خط المصتف و هو الشيخ الامام العارف العابد مشرف بن مصلح السعدی رحمة الله عليه و سلم» (انتهای «طیبات»، برگ ۲۲۳ ب؛ رک: تصویر)؛ «تمت الكتاب [كذا] الخواتيم منقول من خط الشيخ العارف مشرف بن مصلح السعدی شیرازی رحمة الله عليه» (پایان «خواتیم»، برگ ۳۱۰ الف؛ رک: تصویر). تاکنون چه در مطالعات مربوط به عطار و چه در پژوهش های سعدی شناسی کمتر به یکی بودن این دو کتاب اشاره شده است^{۱۶}. با وجود اثبات کتابت دو دستنویس پرحجم ادبی برای این کاتب اسفراینی، اینک می توان با اطمینان بیشتری از این که این فرد به احتمال فراوان دارای شغل و حرفه کتابت بوده سخن گفت. فضایی نیز که وی نسخه عطار را استنساخ کرده، چنان که پیشتر به آن اشاره کرده اند، یک فضای اشرافی و یا سلطنتی بوده و او این نسخه را احتمالاً برای استفاده صاحب منصبی تهیه نموده است. بی دقتی هایی نیز که وی در کتابت آثار عطار مرتکب شده، نمونه ای از کارهای کاتبان زیبانویس و در عین حال پرسرعت و بی دقت محسوب می شود. همچنین تعلق وی به خراسان، احتمالاً سبب شده از عهده کتابت اشعار شیرازی سعدی بر نیاید و دستنویس او به قول استاد صادقی، در بخش «مثلثات» سعدی «با وجود قدمت آن، از نظر صحت نسخه متوسطی است»^{۱۷}.

۱۳. گلستان، بروخیم، ص ۱.

۱۴. بوستان، بروخیم، ص ه.

۱۵. بوستان، تصحیح یوسفی، ص ۱۳؛ گلستان، تصحیح یوسفی، ص ۱۹؛ غزل های سعدی، صص بیست و شش - بیست و هفت.

۱۶. این در حالی است که دانش پژوه، پیش تر به این نکته تذکر داده بود (فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی، ج ۳، ص ۲۷۵؛ نیز رک: «ابیات شیرازی سعدی در مثلثات»، ص ۹ که آن جا به «اسفراینی» بودن کاتب، با توجه به اطلاعات عرضه شده در فهرست دانش پژوه، به درستی تصریح شده است).

۱۷. «ابیات شیرازی سعدی در مثلثات»، ص ۹.

آفتان عاشقان باشد که با دوز بوند
 تمامای واستغوا کاش روح ما بی سمونا
 آفتاب جز دورن باشد همش از عین
 سعی فی صغی السانی ولما بدو ما تانی
 کور شعر فلک باشد بدی فرخند و دلدار
 لعلت الاسد فی لغات لم یقدروا
 نه حسنی اخری جارد نه جلیه راجعین

ترا که خواب می کرد نه صاحب دید عشاق
 اما انت الذی کسفی فعبین السم تراقی
 مرا بگذار تا حیران ماندمم در کانی
 انا المجنون لا اعا ما حزن از غم تراقی
 مگر نفس ملک باشد بدی مالک از حدی
 وهذا الظیفة شیر از سلسلی ما حدی
 میرد نه مستغنی دورا بجهان

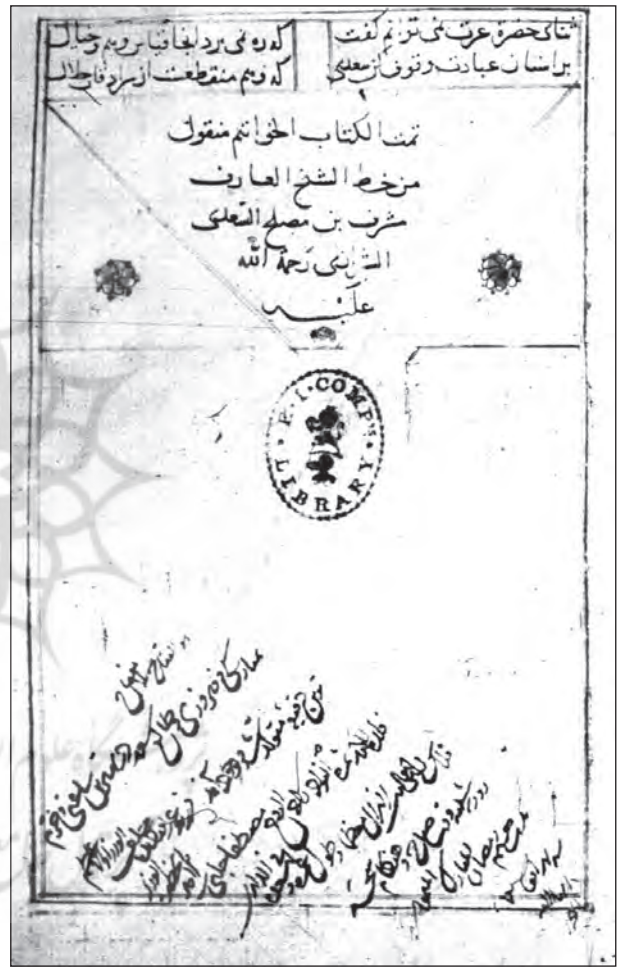
و این فی خاتم کتاب

دکبری بحر خوش می ورده خیر از نیک
 ای که تا بودی بهر می و مرطوب است نیک
 نیک می ندود نماند دراز از حشر
 بعیت از یکا نه پوشیدت و بی نیک
 نسیم و درخند خلاف رای فاشتر بود
 راه نو مبدی گرفتیم و لایم دعد
 ترسوری جدا و ندر جزای فعل ما
 که جبه شیطان ریچم از راه اشقام بود
 آنکاز محشود و دردن داد و جلیه فضل
 سعیدیا بسیار که تیغ عرضایع گرفت

بر که خواهد رفت بهای خاک انسیم
 بر قیامت بر صراطی شوش و نیم
 خا اسی باید که پروزا بداندش سلیم
 جرت از سایه بهنافت و می دانیم
 طفل خزا دوت دارد مهر و فایه
 کای که کار از نه برید غصه از کرم
 و رخساری حمر عار حانت قد
 بجان ز امیدم دارم بر حمان جسم
 هم محتشاید چو شقی استغنی از شرم
 وقت عدل در دونه شایع الله اعلم

تمت کتاب الطیبات نقلت من خط
 المصنف من شیخ بهرام عارف
 العابد مشرف بن مصلح السعدی
 رحمه الله علیه
 و رسم





۴. دیوان شعری از سده نهم، و نه پنجم هجری، در بغداد

در کتابخانه مجمع علمی عراقی در بغداد، دستنویسی به شماره «۶۶ شعر» نگهداری می‌شود که در فهرست آن کتابخانه، نوشته میخائیل عواد، عنوان «دیوان شعر فارسی» برای آن در نظر گرفته شده و درباره آن اطلاعات مختصر و ناقصی آمده است. هیچ نقلی نیز از ابتدای نسخه نشده تا از این طریق بتوان به هویت آن پی برد. در توصیف ظاهر دستنویس آمده است: «به خط تعلیق زیبا؛ از کاغذ و مرکب نسخه برمی‌آید که حدود پانصد سال قدمت داشته باشد. ۷۰ برگ، ۲۱ در ۱۳ سانتیمتر، ۱۲ سطر»^{۱۸}.

چه خوب است این دستنویس توسط عزیزانی که به آن دسترسی دارند شناسایی شود. در عراق، دستنویس‌های فارسی شعری کم نیست و یکی از دلایل آن این است که کانون‌های متعددی از این پهنه وسیع، مدت‌ها تحت امر حاکمان عثمانی اداره می‌شده و زبان فارسی نیز در بلاد عثمانیان، یکی از زبان‌های پرکاربرد از منظر دیوانی و نیز ادبی بوده است. جزآن، در شهرهایی از عراق رد پای فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را در ادوار مختلف، به ویژه پیش از عهد عثمانی، می‌توان یافت. در دوران اخیر، یعنی قرن چهاردهم هجری، نیز، بسیاری از علمای ایرانی که به شهرهای مذهبی عراق مهاجرت کردند، کتابخانه‌های شخصی خویش را با خود منتقل نموده‌اند و این، یکی از دلایل دیگری است که امروز در شهرهای مهمی چون نجف، کربلا و سامراء، نسخه‌های فارسی به وفور یافت می‌شود. کتابخانه امیرالمؤمنین شهر نجف (تأسیس شده توسط علامه امینی) هم که یکی از گنجینه‌های دارای نسخه‌های فارسی فراوان است، در سال‌های تجهیز کتابخانه مزبور، با نسخه‌های خطی ایرانی فراوانی تکمیل شده است. در چند سال اخیر هم، شمار زیادی نسخه خطی ایرانی، اعم از عربی و فارسی، به کتابخانه‌هایی در عراق از طریق بیع واگذار شد که باز نسخه‌های فارسی عراق را افزایش داده است.

اینک با فهرست جامعی که به همت مصطفی درایتی برای نسخه‌های خطی فهرست شده عراق تهیه شده، به راحتی می‌توان آماری از شمار زیادی از دستنویس‌های فارسی این قلمرو پراهمیت جهان اسلام به دست آورد. در مطالعات مرتبط با ادب فارسی، بیش از همه شاید چند نسخه فارسی نسبتاً کهنه شعری مورد توجه قرار گیرد که یکی از آن‌ها همین دستنویس مجمع علمی عراق در بغداد است. اما لازم است اطلاعات مربوط به این نسخه، در فهرست مزبور اصلاح شود. زیرا در ثبت اطلاعات مربوط به آن، خطایی روی داده است: «دیوان شعر فارسی، عدد ردیف ۲۹۰۵۳ فهرست درایتی، تعلیق، کاتب: مجهول، تاریخ: القرن ۵ هـ...»^{۱۹}. در واقع اطلاع مربوط به تعلق نسخه این دیوان شعر ناشناس به حدود پانصد سال قبل، در طرح در هم‌کردن فهرست عراق، اشتباه منتقل شده و تاریخ تقریبی کتابت دستنویس به اشتباه قرن پنجم هجری ثبت شده است که صحیح نیست.^{۲۰}

۱۸. مخطوطات المجمع العلمی العراقی، دراسة و فهرسة، ج ۲، ۲۳۰.

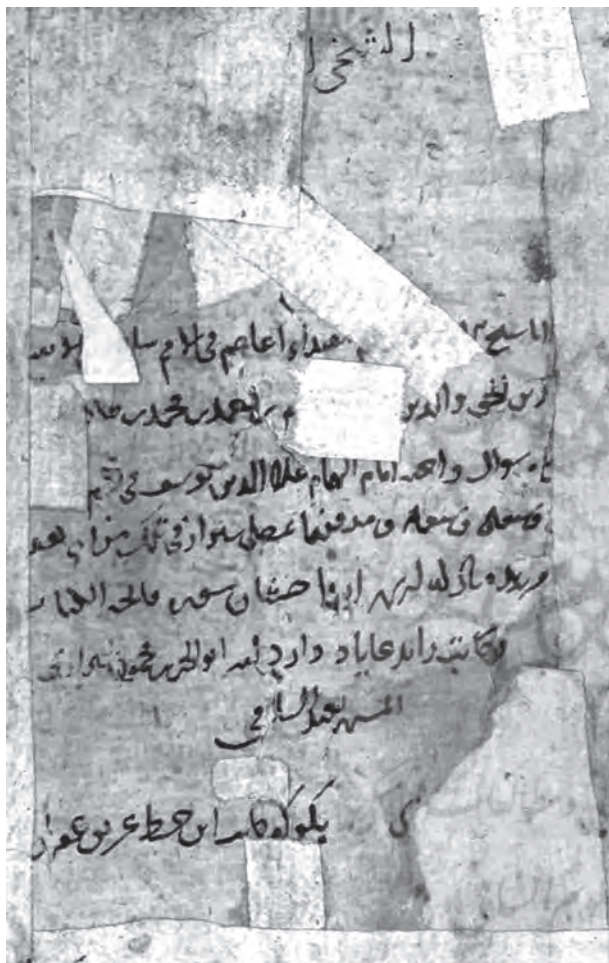
۱۹. معجم المخطوطات العراقیة، ج ۷، ص ۵۰۵.

۲۰. برای مزید فایده، گفته می‌شود که در فهرست مورد اشاره، چند دستنویس سده نهمی پراهمیت دیگر نیز از آثار منظوم فارسی وجود دارد که لازم است کسانی که به اصل دستنویس‌ها دسترسی دارند اطلاعات تکمیلی‌ای درباره آن‌ها عرضه کنند. یکی از این نمونه‌ها، دستنویس شماره ۱۳۶۱۲ «مکتبة الأوقاف العامة» در بغداد است که ذیل ردیف ۲۹۰۵۴ درایتی معرفی شده است و آن نیز دیوان شعر ناشناسی، با نسخه‌ای در قطع وزیری (۲۲ در ۱۱ سانتیمتر) شامل ۲۲۳ برگ ۱۱ سطر است (معجم المخطوطات العراقیة، ج ۷، ص ۵۰۵). در همین کتابخانه، یعنی «مکتبة الأوقاف العامة»، دستنویسی سده نهمی از کلیات سعدی به شماره ۱۲۲۹۵، حاوی ۴۲۰ برگ در قطع ۲۴ در ۱۳ سانتیمتر نگهداری می‌شود که در نوع خود خالی از اهمیت نیست (همان، ج ۱۳، ص ۳۸۴). اما شاید کهن‌ترین نسخه‌های فارسی در عراق را عتبه امیرالمؤمنین در نجف دارا باشد که چند دستنویس قرآنی کهن فارسی، از جمله چند مصحف ترجمه‌دار فارسی از عهد سلجوقی را در خود جای داده است. اما افسوس که سالیانی چند است که اولیاء کتابخانه مزبور به هیچ نحوی برای شناسایی این گنجینه نفیس خویش، دست یاری نمی‌فشارند.

۵. اطلاعاتی احتمالی از یکی از افراد خاندان عبدالسلامی فارس در سده هفتم هجری

خاندان شیخ الشیوخ بیضا یا به تعبیر دیگر خاندان عبدالسلامی، از صوفیان مشهور و تأثیرگذار در تاریخ فارس از سده پنجم به بعد به شمار می‌روند. درباره ایشان، جز اطلاعات ارزنده‌ای که هجویری در سده پنجم هجری در «کشف المحجوب» به دست داده و از شیخ الشیوخ ابوالحسین احمد بن محمد بن جعفر بیضاوی معروف به سأل به (۴۱۵ق) و نیز فرزندش ابوالفتح عبدالسلام بن احمد مشهور به «ابن سأل به» (۴۷۳ق) یاد کرده، مطالب مهمی نیز در

کتب رجالی و جغرافیایی مربوط به فارس وجود دارد و از دیرباز مورد توجه بوده است. یکی دیگر از افراد این خاندان، شیخ الشیوخ محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بن احمد (۵۶۲ق)، نوۀ «ابن سأل به» است که شیخ خرقۀ روزبهان نقلی بوده است. همچنین حدس زده شده که عبدالصمد بن محمد بن محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بیضاوی که کاتب دستنویسی از کلیات سعدی مورخ ۷۲۰-۷۲۱ق (دستنویسی دو تکه که بخشی از آن در اروپا و قسمتی دیگر در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود) است، از همین تبار باشد.^{۲۱}



از وجود یکی از افراد احتمالی این خاندان که در سده هفتم هجری یادداشتی در پشت آخرین برگ نسخه‌ای از «عوارف المعارف» سهروردی نگاشته، اطلاعاتی به دست می‌آید. او خود را در انتهای یادداشتش چنین نامیده است: «ابوالخیر بن محمود شیرازی المشتهر بعبدالسلامی» (رک: تصویر). تنها دلیلی که باعث می‌شود ابوالخیر شیرازی از این خاندان دانسته شود، همین نسبت «عبدالسلامی» برای اوست که البته باز با قید احتیاط قابل پذیرش خواهد بود. در صورت وابستگی این فرد به خاندان مزبور، این یادداشت امتداد حضور آن‌ها را در شیراز تا نیمه دوم سده هفتم هجری نشان می‌دهد. همچنین از این که او دستنویسی از کتاب سهروردی را در اختیار داشته، تا حدودی می‌توان به استمرار پیوند آن‌ها با تصوف و مطالعه دستنامه مشهوری چون عوارف المعارف در آن عهد وقوف یافت. آنچه ابوالخیر عبدالسلامی در یادداشت خود نوشته، در واقع اطلاعاتی رجالی از دو تن از عالمان شیراز است که بعید نیست آن‌ها نیز به

همین تبار تعلق داشته باشند. این دو که با یکدیگر نسبت برادری داشته‌اند، یکی «زین الدین عبدالسلام بن محمد بن طاهر» است و دیگری برادرش «علاء الدین یوسف» که یکی از آن‌ها یا هر دو در محرم ۷۷۰ و اندی در گذشته و هر دو در مزارستان مصلائی شیراز دفن شده‌اند. اگر این دو نیز از خاندان عبدالسلامی بوده باشند، باید اعلام کرد که فرد نخستین همانم یکی از اجداد بزرگ این خاندان، یعنی «ابن سأل به» بوده است. آنچه باعث می‌شود وابستگی این دو تن به خاندان عبدالسلامی تقویت شود، این است که این دو نفر، لابد افراد مهمی برای نویسنده (عبدالسلامی) بوده‌اند که تاریخ درگذشت و محل دفنشان را با ذکر القاب فاخر برای آن‌ها، در انتهای دستنویسی گویا متعلق به خود ثبت کرده و از سوی دیگر به این سبب که یکی از این دو برادر، «عبدالسلام» نام داشته، شاید بتوان براساس حدسی

۲۱. برای جمع‌بندی نهایی درباره همه ماخذ موجود مربوط به این خاندان، رک: شیرازنامه، صص ۲۴۰-۲۴۴ (تعلیقات مصحح).

اندکی بعید اظهار کرد که گویا این دو برادر نیز از افراد همین خاندان صوفی مشرب بوده اند.^{۲۲}

اصل دستنویس موردگفتگو، مورخ ۶۸۵ ق به خط کاتبی اصفهانی نائینی، کتابت شده در عقدا (از میبد یزد)، به شماره ۲۰۸ طباطبائی در کتابخانه مجلس نگهداری می شود. جزئیات این دستنویس در فهرست به خوبی برشمرده و یادداشت عبدالسلامی به درستی بازخوانی شده است.^{۲۳}

۶. در معرفی دیوان شعر «بی نشان» (یادداشتی به قلم دکتر روح انگیز کراچی)^{۲۴}

نخستین بار سعید نفیسی در معرفی «بی نشان» و نسخه منحصر به فرد دیوان شعرا نوشت: «بی نشان تخلص زنی است که از جزئیات احوال وی چیزی به دست نیست و تنها نسخه ای از دیوان غزلیات او شامل هزار و پانصد بیت مانده است که در آن بی نشان تخلص کرده و چنان می نماید که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و ظاهراً از اهالی فارس بوده است» (نفیسی ۱۳۴۴: ۱/۳۴۰). اما برای من مشخص نیست که سعید نفیسی بر اساس چه منبعی این اشعار را سروده یک بانوی شاعر در قرن نهم و از اهالی فارس دانسته است. احمد منزوی نیز در فهرست نسخه های خطی فارسی نوشت: نسخه منحصر به فرد دیوان بی نشان متعلق به کتابخانه ملی پاریس با شماره ۱۱۰۲ persan شامل دو بخش است که بخش نخست بیش از ۱۳۰۰ بیت از جهان ملک خاتون و بخش دیگر حدود ۱۳۰۰ بیت شعرا بی نشان است (منزوی ۱۳۴۸: ۳/۲۲۵۶). فیلم این نسخه در کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی موجود است. این نسخه ۱۵۰ صفحه دارد. غزلیات هر دو شاعر در بعضی صفحات مخلوط شده و فقط با تخلص شاعر و مقایسه با اشعار جهان ملک خاتون است که می توان آن ها را جدا کرد. در صفحه ۳، ۴، ۶، ۷ از نسخه، ۳ غزل با تخلص بی نشان وجود دارد که ردیف آن ها به ترتیب الفبایی مرتب نشده است. در صفحه ۳ و در آغاز دیوانی که انتظار می رود شعرهای جهان ملک خاتون باشد دو غزل بی نشان نوشته شده است. در این مجموعه حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ بیت با تخلص بی نشان در قالب غزل وجود دارد که مجموعاً ۲۱۸ غزل است و در انتهای این دیوان ۱۶ رباعی نیز دیده می شود. مدت هاست در هر کتابخانه ای و هر منبعی به دنبال نشانی از این بی نشانم تا نسخه دیگری از اشعار او یا اطلاعاتی از زندگی او بیابم. این نسخه را سه سال پیش استنساخ کرده و به لحاظ سبک شناسی به نقد و تحلیل اشعار او پرداخته ام، اما چون این پژوهش به سبب تک نسخه ای بودن از یک سو و نبودن اطلاعات زندگی نامه ای از سویی دیگر ناتمام است، در چاپ آن تعجیلی نیست تا این پژوهش به انجام رسد. غزل های بی نشان به سبک عراقی است و دایره واژگانی و ترکیبات و اصطلاحات و شگردهای شعری این شاعر به شدت از اشعار حافظ تأثیر پذیرفته است (رک: تصاویر).

۲۲. البته نام «عبدالسلام» اختصاص به خاندان خاصی ندارد و تا مقوم دیگری از قبیل لقب خاص یا نسبت طائفی ویژه و یا اسم نادری در سلسله اسمی آباء و اجداد فرد یافت نشود، اظهار نظرهای این چنینی ارزشی نخواهد داشت. تنها برای یک نمونه، فی المثل می توان به وجود نام «عبدالسلام» به عنوان نام جد عالمی از مدرّسین کتاب الکشاف زمخشری، محفوظ به شماره ۱۸۱۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه، از اواخر سده هفتم هجری اشاره کرد که نام کامل خویش را «عبدالقادر بن محمد بن عبدالسلام» ثبت کرده و برای کاتب و دارنده نسخه مزبور، در سؤال ۶۹۶ ق اجازه ای نگاشته است (فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، صص ۳۹۶-۳۹۸، به همراه تصویر اجازه مورد اشاره).

۲۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۴، صص ۱۴۸-۱۴۹.

۲۴. این یادداشت و چند یادداشت دیگر، به مناسبت تأسیس یک نشریه اطلاع رسانی داخلی برای کتابخانه دانشکده ادبیات تهران، در سال ۱۳۹۷ از اساتید و دوستانی گرامی دریافت شد. اما رها شدن رشته امور، مانع شد تا چنان آرزویی محقق شود. اینک از آن میان، این نوشته پراهمیت در این سلسله یادداشت ها نشر می یابد. مجدداً از استاد کراچی تشکر می کنم که مطلب حاضر را به قلم خود در اختیار گذاشتند.



و کوز تخی جان کندم فینه ترسان جز خار که ز بخران خیلد بر دل جوی نشان بخیز از در پست نیست در خاک	که سلامت که من زهر بیا چشیدم ز باغ وصل تو یک گل کام خوش ولی جسود که روزی خواب از تو شنیدم
--	---

اگر بر وز اجل دیدم بر حال تو میرم جز مرغ روح بخواسد پرید از نفس با خاک سرخ و رخ زده عاشقان طری ز در درای ۱۹ مان جزنت که توانی قدم بر پیش مانه که سر ساری تو باطل نهاده بر دید کی بقدر تو بنود بیز نقش تو هر کار کار دیدارم	زهی حیات مجبوره که در وصل تو آم پایا که بدان در آنهای حال تو میرم که عیش عارض کلکون زور کلام تو میرم بعلا و خجک تو نامزم بقاف و ال تو آم دزین شاع محقر با بقعالت تو میرم که ریش قات دلجوی اعدان تو میرم چون نشان جگر خسته در خیال تو میرم
--	---

بسم الله الرحمن الرحیم

ای با من نکاسته گشته پد آنکا با کمال قدرتت کار و دگرستی بحل شده از فیض قصلت عذرت خورگه نیست در ملکم زمر که زندگ اندم گر جگد اندا بر احسانت بر انسان با سوی از لطف تو که بر صحن علم در پر سوم هر صفت تو باید در اکم شده در راه بر حان با سوایت	ذات همچون تو ترک صفت عین با ثبات مکننت بر ملک و عالم لمحه از تاسیه قهرت کار زار جا بیم و اندیم تو بی ای خالق موت از نهاد مومن و مشرک بشود پست عیسی مریم شود هر ریزه از غلام محو کرد و صورت مستی بلوح کانا کشته در دنیا و دن فارغ از خوش
--	--

۷. علامه قزوینی و مصطفی جواد

یکی از وجوه اشتراک بین علامه قزوینی و مصطفی جواد (محقق بزرگ عراقی) در مطالعات شرق شناسی، تمرکز هر دو بر برهه سرنوشت ساز مغول و پژوهش در متون مربوط به این دوران است. جزاین، دیدارهایی نیز بین آن‌ها صورت گرفته و با هم تبادل کتاب نیز داشته‌اند. امید است در آینده، تمام اشارات موجود در نوشته‌های قزوینی به این شخصیت برجسته عراقی، استخراج و در کنار یکدیگر عرضه شود. اینک، به یکی دو فقره از این باب اشاره می‌گردد.

قزوینی در سال‌های طولانی حضور در پاریس، با مصطفی جواد دیدار کرده و مدتی با او مراد داشته است. وی در حاشیه نسخه ملکی خود از جلد پنجم از الذریعة آقابزرگ طهرانی که به شماره قدیم B-15-71 در کتابخانه دانشکده ادبیات بخش کتب قزوینی نگهداری می‌شود^{۲۵}، در حاشیه مدخل «جهان‌گشای جوینی» - که نقص‌هایی در محتوا داشته^{۲۶} - نوشته است: «قال الفاضل العلامة مصطفی جواد البغدادی فی مجلة «البيان» المطبوعة فی النجف تحت عنوان «نظرات فی الذریعة» و هی أبحاث انتقادیة للکتاب الحاضر باستدعاء المؤلف نفسه (العدد ۱۶، المؤرخ ۲۴ ربيع الأول سنة ۱۳۶۵) ما نصّه، ص ۸: «و ذکر [أی مؤلف الكتاب الحاضر فی الجزء الحاضر] فی ص ۳۰۰ تاریخ جهان‌گشای جوینی و هوتاریخ المغول و احوالهم و غیرهم و قال: و قد طبع المیرزا محمدخان القزوینی الجزء الثالث منه مع ذیل الخواجه نصیرالدین [الطوسی]؛ قلت: و الصحیح انه طبع اجزاء الثلاثة و قد رأيتها رأی العین و اهدی الی طابعه العلامة المؤرخ الأديب المذكور المجلدات الثلاثة، إلا أنى تركتها فی باريس بسبب عودتی إلى العراق فی اثناء الحرب الكبرى الأخيرة فقد تخففت فی السفر و تركت غیر الضروریات و هو منها. فلولم اشاهد المجلدات الثلاثة لم اقطع القول بطبعها» انتهى» (برای تصویری که آقابزرگ را در کنار علامه قزوینی نشان می‌دهد، رک: تصاویر این بخش)^{۲۷}.

همچنین در آغاز برخی کتاب‌های چاپی او در گنجینه کتاب‌های قزوینی (در دانشکده ادبیات)، مطالبی هست که به نوعی با مصطفی جواد ارتباط است. برای نمونه، در ابتدای جلد (جزء) سوم کتاب المختصر فی اخبار البشر، تألیف ابوالفداء، چاپ سربی مصر (المطبعة الحسينية المصرية، علی نفقة السيد محمد عبداللطيف الخطيب و شرکاه)^{۲۸}، یادداشت کوچکی (وُزِیْقَه‌ای) به خط مصطفی جواد در تصحیح چند واژه و فقره از متن تاریخ ابوالفداء قرار دارد که مربوط به جلد دوم کتاب است و قزوینی آن موارد را در متن کتاب اعمال کرده و زیر آن برگه یادداشت نوشته است: «صَحَّحْتُ هذه الكلمات جميعها». تاریخ ۱۸/۱۰/۳۵ نیز که بالای همین برگه نوشته شده، مطابق است با مرداد ۱۲۹۶ ش و هفتم آگوست ۱۹۱۷ م (رک: تصویر). قزوینی که به ندرت کسی را از میان محققین معاصر خویش به فضل و کمال می‌ستوده، با این محقق برجسته عراقی ارتباط خوبی داشته است.

۲۵. این نسخه چاپی از جلد پنجم الذریعه را، مؤلف، به فرزند خود مرحوم علینقی منزوی سپرده تا به علامه قزوینی پیشکش کند. او نیز در آغاز کتاب چنین نوشته است: «از طرف مؤلف پیشگاه استاد بزرگوار علامه قزوینی تقدیم میگردد - آخر آبان ۲۴، ع. منزوی». اما این اهدا واسطه دیگری نیز داشته و خود منزوی، شخصاً آن را به قزوینی تحاف نکرده است. زیرا به خط قزوینی در لبه بالای همین برگ عنوان آمده است: «هدیه مؤلف بتوسط آقای مرتضی مدرسی چهاردهی - محمد قزوینی».

۲۶. چنین است عین نوشته آقابزرگ یا منزوی در این مدخل: «جهان‌گشای جوینی: مرفی ج ۳ - ۲۴۷، و هوتاریخ المغل و احوالهم و السلاطین الخوارزمشاهیه و الملاحدة الإسماعيلية، و باقی الوقایع الی ۶۵۵ و قد طبع المیرزا محمدخان القزوینی الجزء الثالث منه مع ذیل الخواجه نصیرالدین الانی فی الذال، فی لیدن، ثم أن السيد جلال الدین الطهرانی أعاد طبع بعض اجزائه فی طهران» (الذریعة، ج ۵، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۳، ص ۳۰۰).

۲۷. برگرفته از علامه قزوینی، ص ۸۴ (با توضیحی زیرنویس این تصویر که در همین منبع درج شده است).

۲۸. شماره جلد اول و دوم (در یک مجلد) در کتابخانه قزوینی در دانشکده ادبیات چنین است: A-II-26 ج ۱؛ و مشخصات جلد سوم و چهارم (در یک مجلد) به این شرح: A-II-26 ج ۳ و ۴.

تاریخ: ۱۸.۱۰.۳۵

رضیخ حاج آقا رضا
۲۴

صنعت	میل	الفط	الصراب
۹۷	۱۰	نور	نور
۹۹	۴۴	خروج	خروج
۱۱۰	۴۷	اب السعادت	اب السعادت
۱۱۵	۵۰	سلطانہ	سلطانہ
۱۱۹	۰۱	وفاة	غزاة
۱۲۲	۰۲	يعان	يفان
۱۲۹	۰۰	الجمرة	الجمرة

مجلس جوار



حاج آقا بزرگ تهرانی علامه قزوینی آقای منزوی

این عکس در سال ۱۳۲۵ که حاج آقا بزرگ مؤلف کتاب بی نظیر الذریعه برای تحقیق در باره کتابهای خطی موجود از نجف به تهران آمد روزی که معزی الیه بمعیت فرزند خود آقای منزوی متصدی چاپ و نشر الذریعه برای ملاقات علامه قزوینی بمنزل آن مرحوم رفته بودند بوسیله یکی از حضار مجلس برداشته شده است.

این منظره ساده و قیافه جاذب مرحوم قزوینی برای کسانی که در سنوات اخیر از محضر علامه قزوینی استفادہ کرده اند بسیار مأنوس است.

۸. دو استدراک پابریگی (پیرامون نامه دکتر غنی به علامه قزوینی و شعر «اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد»)

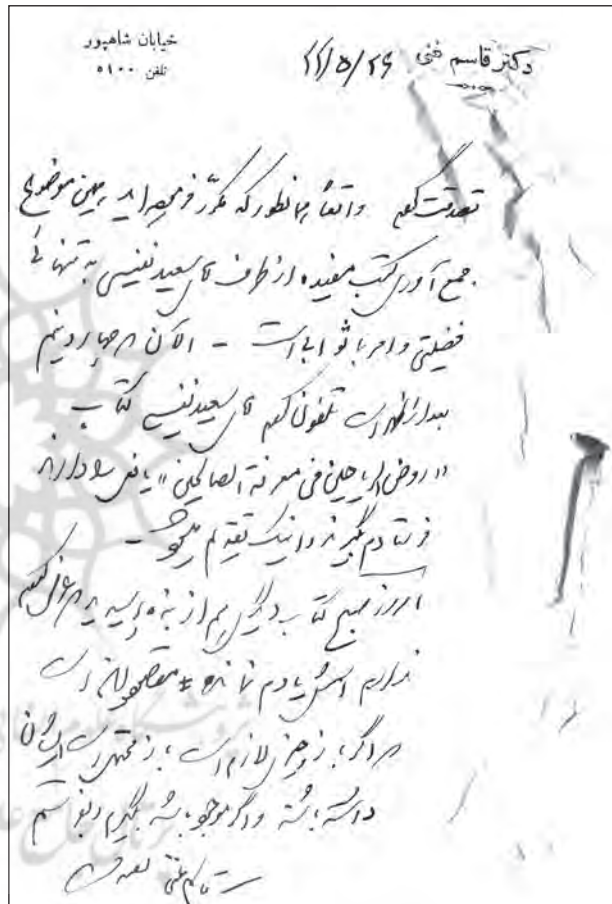
در یادداشت شماره ۸ از «پابریگ ۱۵» (آینه پژوهش، شماره ۱۷۳)، متن نامه‌ای از دکتر قاسم غنی به علامه قزوینی متعلق به سال ۱۳۲۲ منتشر شد که در آن از کتابخانه سعید نفیسی تجلیل شده بود. تصویر این نامه، در جای خود از قلم افتاد که اینک عرضه می‌شود.

همچنین در یادداشت شماره ۳ از «پابریگ ۱۶» (آینه پژوهش، شماره ۱۷۴)، از غزلی به مطلع «اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد» سخن به میان آمد و توضیحاتی پیرامون انتساب آن به مولانا جلال‌الدین، «مطلعی» یا «ابوعلی قهستانی» عرضه گردید. اینک لازم است در بخش پیشینه تحقیقی مربوط به این غزل، توضیحات دوست دانشمند، دکتر میلاد عظیمی نیز افزوده شود که در پیوست‌های چاپ خود از «سفینه شمس حاجی» به این غزل پرداخت. او نوشت که این غزل، در سفینه شمس حاجی (مورخ ۱۳۷۴ق) نیز به نام مولانا آمده و این کهن‌ترین منبعی است که آن را به او منتسب می‌کند. او همچنین این منابع را برای این غزل برشمرده است:

- سفینه انیس الخلوۃ از مسافرن ناصر الملطوی از سده هشتم هجری که غزل را به نام مجیر بیلقانی ثبت کرده است^{۲۹}؛

- سفینه معروف بغدادی از اواخر سده هشتم یا نهایتاً اوایل سده نهم هجری، که سه بیت از این شعر را با عنوان «لواحد من الشعراء» حفظ کرده است^{۳۰}.

یادداشت پابریگی اخیر، بیشتر ناظر به کوتاهی نگارندگان یک مقاله دانشگاهی بود که با غفلت از شمار کثیری منبع شعرشناسی، دست به نظرپردازی زده بودند. اکنون و با بررسی منابعی بیشتر از آنچه عرضه شد، ابهام مربوط به سراینده این شعر سرگردان بیشتر شده و نتیجه‌گیری درباره آن سخت‌تر به نظر می‌رسد.



۲۹. نیزک: انیس الخلوۃ و جلیس السلوة، برگ ۳۹ (عظیمی شماره برگ را ۷۹ دانسته که احتمالاً مقصود، شماره فریم فایل دیجیتالی دستنویس بوده است)، و ص ۴۱۶ (تعلیق پژوهندگان چاپ عکسی انیس الخلوۃ، دوستان گرامی دکتر محمد افشین وفایی و ارحام مرادی، که یکی از جامع‌ترین جستجوهای پیرامون این غزل سرگردان را عرضه می‌کند).

۳۰. سفینه شمس حاجی، ص ۶۵۲.

منابع

۱. «ابیات شیرازی سعدی در مثلثات»، علی‌اشرف صادقی، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه «نامه فرهنگستان»)، دوره جدید، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۵-۳۷.
۲. اشعار فارسی پراکنده در متون (تا سال ۷۰۰ هجری)، علی‌صغری آق‌قلعه، تهران، انتشارات دکتر محمود افشار- با همکاری نشر سخن، ۱۳۹۵.
۳. انیس‌الخلوة و جلیس‌السولة، مسافر بن ناصر المملطوی، نسخه‌برگردان دستنویس شماره ۱۶۷۰ کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، به‌کوشش محمد افشین‌وفایی- ارحام مرادی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۴. بررسی اشعار عطار نیشابوری و دیگر عطارها در جنگ‌ها و سفینه‌ها تا سال ۸۵۰ ق، علی‌رحیمی واریانی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۹۸.
۵. بوستان سعدی، باهتمام محمدعلی فروغی، طهران، بروخیم، ۱۳۱۶.
۶. بوستان سعدی (سعدی‌نامه)، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۷. «پابرجا ۱۳»، جواد بشری، آینه پژوهش، س ۲۹، ش ۳، مرداد- شهریور ۱۳۹۷، پیاپی ۱۷۱، صص ۱۰۳-۱۳۰.
۸. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، سعید نفیسی، تهران، فروغی، ۱۳۴۴، ج ۲.
۹. «حافظ و جهان ملک خاتون»، سعید نفیسی، راهنمای کتاب، س ۱۱، ۱۳۴۷، ش ۷، ص ۳۶۹.
۱۰. دیوان عطار نیشابوری، به سعی و تصحیح مهدی مدائنی- مهران افشاری، با همکاری و نظارت علمی علیرضا امامی، تهران، چرخ، ۱۳۹۲.
۱۱. سفینه، سعدالدین آلپی، دستنویس کتابخانه مجلس سنای سابق (محفوظ در کتابخانه مجلس کنونی)، شماره ۵۳۴ سنا.
۱۲. سفینه شمس حاجی، تدوین و کتابت ۷۴۱ هجری قمری، مقدمه، تصحیح و تحقیق میلاد عظیمی، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
۱۳. شرح حال و آثار و اشعار شیخ روزبهان بقلی فسائی شیرازی، دکتر محمدتقی میر، شیراز، انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۴.
۱۴. شیرازنامه، ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زکوب شیرازی، تصحیح و توضیح اکبر نحوی، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۹۰.
۱۵. الطبقات السنّیة فی تراجم الحنفیة، تقی‌الدین بن عبدالقادر التمیمی الذاری الغزوی المصری الحنفی، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو، ریاض، دارالرفاعی، ۱۴۰۳، ج ۴.
۱۶. عبرالعاشقین، روزبهان بقلی شیرازی، هنری کرین- محمد معین، تهران، انجمن ایرانشناسی فرانسه در تهران، چاپ نخست ۱۹۵۸م [اگست: تهران، منوچهری، به موجب قرارداد با انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۶۰ ش / ۱۹۸۱م].
۱۷. علامه قزوینی، مشتمل بر خطابه‌ها و مقالات که بمناسبت فوت استاد فقید علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی ایراد و منتشر شده است، از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، چاپ تابان، بی‌تا.
۱۸. غزلهای سعدی، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
۱۹. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حائری، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۴۸، ج ۱۷.
۲۰. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ج ۸.
۲۱. فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ج ۳.
۲۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸.
۲۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سیدمحمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، با نظارت و مقدمه عبدالحسین حائری، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ج ۲۴ (کتابهای اهدائی سیدمحمدصادق طباطبایی).
۲۴. گلستان سعدی، در تحت نظر محمدعلی فروغی، طهران، بروخیم، ۱۳۱۶.
۲۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
۲۶. مختارنامه، فریدالدین عطار نیشابوری، تصحیح و مقدمه از: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ دوم (با تجدید نظر و اضافات)، ۱۳۷۵.
۲۷. مخطوطات المجمع العلمي العراقي، دراسة و فهرسة، میخائیل عواد، مطبعة المجمع العلمي العراقي، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م، ج ۲.
۲۸. معجم المخطوطات العراقية، مصطفی‌الدرایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، با همکاری دیوان الوقف الشیعی و مؤسسه کاشف الغطاء العامة، ۱۳۹۶، ج ۷.
۲۹. منطق الطیر، عطار، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
۳۰. همان، تصحیح و توضیح: محمود عابدی- تقی پورنامداریان، تهران، سمت، ۱۳۹۰.